

فرستاده خدا

مادر نذر می‌کند فرزندش را پس از تولد خادم مسجد کند، این نذر را در زمانی مادر می‌کند که می‌پندارد فرزندش پسر خواهد بود. فرزند پا به عرصه وجود می‌گذارد اما دختر است، مادر اندوهناک می‌شود و حسرت داشتن پسر را می‌خورد. نام فرزند را مریم که به معنای خادمه است، می‌گذارد.

**فرستاده خدا**

مادر نذر می‌کند فرزندش را پس از تولد خادم مسجد کند، این نذر را در زمانی مادر می‌کند که می‌پندارد فرزندش پسر خواهد بود. فرزند پا به عرصه وجود می‌گذارد اما دختر است، مادر اندوهناک می‌شود و حسرت داشتن پسر را می‌خورد. نام فرزند را مریم که به معنای خادمه است، می‌گذارد. پدر مریم قبل از ولادت فرزند خود از دنیا می‌رود، مادر دختر را در آغوش می‌گیرد و به مسجد می‌آورد و او را به کاهنان مسجد که یکی از آنان حضرت زکریاست، تحویل می‌دهد.

کاهنان درباره کفالت مریم با هم مشاجره می‌کنند و در آخر به این رضایت می‌دهند که در این باره قرعه بیندازند. قرعه انداختند.

زکریا که شوهرخاله مریم است، برنده و عهده‌دار سرپرستی مریم می‌شود تا وقتی مریم به سن بلوغ برسد. در آن اوان، زکریا حجابی بین مریم و کاهنان برقرار کرد و مریم در داخل آن حجاب مشغول عبادت می‌شود.

در این ایام، روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها را به عبادت می‌پردازد و در میان بنی اسرائیل به مقام ارجمندی می‌رسد و همگان منزلت او را آرزو می‌کنند.

مریم صدیقه و به عصمت خدا معصوم و طاهره، برگزیده شده و محدث و مرتبط با فرشتگان و یکی از آیات خدا برای همه عالمیان است.

وقتی به سیزده سالگی و مرحله رشد و بلوغ می‌رسد و در حجاب محراب قرار می‌گیرد، خدای بزرگ «روح» را که از فرشتگان است نزد او می‌فرستد و به شکل بشری تمام عیار در برابر مریم مجسم می‌شود و به او می‌گوید که فرستاده‌ای است از نزد معبودش و پروردگاری را فرستاده تا به اذن او پسری به وی بدهد، پسری بدون پدر و او را بشارت داد به این که بزودی از پسرش معجزات عجیبی ظهور می‌کند و خداوند او را با روح القدس تأیید کرده و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد و او را به عنوان رسولی به سوی بنی اسرائیل می‌فرستد. عیسی در اوان جوانی به رسالت به سوی بنی اسرائیل مبعوث و مأمور می‌شود تا ایشان را به سوی دین توحید بخواند.

او مردم را به شریعت جدید خود که همان تصدیق شریعت موسی است دعوت می‌کند، چیزی که هست بعضی از احکام حضرت موسی را نسخ کرد و بارها فرمود: من با حکمت به سوی شما فرستاده شده‌ام تا آنچه را مورد اختلاف شماست برایتان بیان کنم و نیز فرمود: ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شمایم، در حالی که تورات را که کتاب آسمانی قبل از من بوده تصدیق دارم و در حالی که بشارت می‌دهم به رسولی که بعد از من می‌آید و نامش احمد است. بزرگان یهود وقتی می‌بینند، حضرت عیسی با غوطه ور شدن آنها در عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌ها مخالفت می‌ورزد و فساد و تباهی آنها را آشکار می‌سازد، از این رو بر مخالفت آن حضرت و تکذیب وی، همدست می‌شوند تا او را در تنگنا قرار دهند.

از وی درخواست می‌کنند دلیلی بر تأیید رسالت خویش بیاورد، خداوند نیز او را با معجزاتی آشکار، مورد حمایت خویش قرار می‌دهد.

او می‌گوید من با معجزه‌های از ناحیه پروردگارتان به سوی شما آمده‌ام. آن معجزه این است که برای شما از گل چیزی به شکل مرغ می‌سازم سپس در آن می‌دمم، به اذن خدا مرغ زنده ای می‌شود. من کور مادرزاد و بیمار برصی غیر قابل علاج را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و از آنچه در خانه هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم. در این برای شما آیتی است بر این که خدا پروردگار من و شماست و باید او را بپرستید.

عیسی بنی اسرائیل را به توحید خدا و شریعت جدید دعوت می‌کند تا وقتی که از ایمان آوردنشان مأیوس می‌شود و وقتی طغیان و عناد مردم را می‌بیند و استکبار کاهنان و احبار یهود از پذیرفتن دعوتش را مشاهده می‌کند، از میان عده کمی که به وی ایمان آورده‌اند چند نفر حواری انتخاب می‌کند تا او را در راه خدا یاری کنند.

عیسی سی و سه سال زندگانی را در میان یهودیان سپری می‌کند و آنان تصمیم به قتل او می‌گیرند ولی پروردگار او را از دست یهود نجات می‌دهد و به سوی آسمان بالا می‌برد. اما موضوع مسیح برای یهود مشتبه می‌شود؛ بعضی تصور می‌کنند او را کشته‌اند، بعضی دیگر می‌پندارند او را به دار آویخته‌اند، ولی خداوند می‌فرماید: نه او را کشتند و نه به دار آویختند، بلکه امر بر آنان مشتبه شد.

